

چون عقیده کردن از سنت‌های اسلامی است و دارای ادبایی می‌باشد به جهت سؤالات بعضی از دوستان بر آن شدیم تا به صورت اجمالی به این موضوع بپردازیم.

## عقیقه

مهدی عبداللہی

یکی از سنت‌های اسلامی درباره نوزادان عقیده کردن است. یعنی سر بریدن حیوانی برای تولد فرزند و توزیع گوشت آن، چه به صورت خام و چه پخته یا دعوت مؤمنان برای خوردن آن. اما در علت نامگذاری این سنت به عقیده دو احتمال بیان کرده‌اند:

۱- عقیده به معنی مویی است که نوزاد هنگام تولد دارد و چون در روز هفتم معمولاً این مو را می‌تراشند و گوسفندی ذبح می‌کنند، به همین مناسبت، این حیوان را عقیده می‌گویند.  
۲- عقیده از ریشه «عق» به معنی «شق» و شکافتن است و چون گلوی حیوان هنگام ذبح شکافته می‌شود به آن عقیده گفته‌اند.<sup>۱</sup>

درباره عقیده کردن، آداب آن و سیره پیشوایان در عقیده فرزندان روایات بسیاری وارد شده است که در اینجا به گلچینی از آنها اشاره می‌کنیم.  
امام باقر (ع) می‌فرماید: هنگامی که فرزندی برایتان متولد شد، روز هفتم قوچی برای او عقیده کنید و ران و قلوه گاه آن را به قابله بدهید.<sup>۲</sup>

درباره نوع عقیده از امام صادق (ع) پرسیدند، فرمود: گوسپند، گاو و یا شتر می‌باشد. نیز فرمود: **كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيقَةِ**؛<sup>۳</sup> یعنی هر مولودی در گرو عقیده است. مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید: در احادیث بسیار منقول است که: فرزند در گرو عقیده است. یعنی اگر عقیده نکنند او در معرض مردن و انواع بلاهاست.<sup>۴</sup>

و بعضی گفته‌اند معنی حدیث این است که اگر پدر برای فرزند عقیده نکند از شفاعت او در قیامت محروم می‌شود.<sup>۵</sup>

و در حدیث دیگر فرمود: عقیقه برای ثروتمند لازم است و فقیر هر وقت دارا شد انجام می دهد و اگر توانایی پیدا نکرد بر او واجب نیست.<sup>۶</sup>

نیز فرمود: یک چهارم عقیقه را به قابله می دهند و اگر قابله ای در کار نبود به مادرش می دهند تا به هر کسی خواهد عطا کند. و از عقیقه به ده نفر از مسلمانان غذا داده می شود و اگر بیشتر باشند بهتر است.<sup>۷</sup>

عقیقه برای فرزند، پسر باشد یا دختر روز هفتم است و در همان روز نامگذاری می شود و موی سرش را می تراشند و هم وزن آن طلا یا نقره<sup>۸</sup> صدقه داده می شود.

در برخی روایات آمده است که عقیقه دختر و پسر فرقی نمی کند<sup>۹</sup> ولی در روایتی از امام صادق (ع) آمده است عقیقه پسر، نر باشد و عقیقه دختر، ماده.<sup>۱۰</sup>

در باره شکستن استخوان عقیقه از امام صادق (ع) پرسیدند. فرمود: بلی استخوانش شکسته می شود و گوشت آن قطعه قطعه می گردد و آنچه بخواهند بعد از ذبح انجام می دهند.<sup>۱۱</sup> در عین حال روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام روز هفتم تولدشان عقیقه کرد و استخوان عقیقه را نشکستند و دستور دادند با آب و نمک آن را پختند.<sup>۱۲</sup>

در برخی روایات آمده است که مادر، از عقیقه فرزندش نمی خورد.<sup>۱۳</sup> و در برخی آمده است که پدر و خانواده اش هم نمی خورند.<sup>۱۴</sup>

و از برخی استفاده می شود که خوردن از عقیقه برای پدر و خانواده اشکال ندارد.<sup>۱۵</sup> و اگر برای مولودی عقیقه نشده باشد یا این که معلوم نگردد که آیا در خردسالی برای او عقیقه کرده اند یا نه؛ در کهنسالی هم می شود عقیقه کرد.

شخصی می گوید: من به امام صادق عرض کردم نمی دانم آیا پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه؟! امام دستور فرمود و من در حالی که پیر شده بودم برای خود عقیقه کردم.<sup>۱۶</sup>

و نیز در حدیث آمده است که قربانی به جای عقیقه کفایت می کند<sup>۱۷</sup> که ظاهراً منظور قربانی حج است. یعنی اگر فرزند را به حج بردند و در آنجا برای او قربانی کردند دیگر نیازی به عقیقه نیست یا اگر کسی برای او عقیقه نکرده باشند و خود توفیق انجام حج پیدا کند و در منی قربانی کند از عقیقه کفایت می کند.

## دعای عقیقه

دعاهایی برای هنگام ذبح عقیقه وارد شده است که از جمله آنها است دعای ذیل که از امام صادق(ع) روایت شده است:

وَجِهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَ  
نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا أُشْرِكُ لَكَ اللَّهُمَّ مِثْلَكَ وَلَكَ اللَّهُمَّ هَذَا عَن فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.<sup>۱۸</sup>  
به جای «فلان بن فلان» نام نوزاد و پدرش را بگوید.

## عقیقه در سیره معصومان

احادیث متعددی درباره عقیقه کردن برای حسنین علیهما السلام توسط حضرت پیامبر(ص) وارد شده است؛ که روز هفتم تولدشان موی سرشان را تراشید و هم وزن آن نقره صدقه دارد و قوچی برای ایشان عقیقه کرد.<sup>۱۹</sup>

در برخی روایات هم تراشیدن سر حسنین و عقیقه کردن ایشان به فاطمه زهرا(س) نسبت داده شده است.<sup>۲۰</sup>

از اسما هم نقل شده که حضرت پیامبر(ص) برای هر کدام از حسنین(ع) دو قوچ چاق عقیقه کردند.<sup>۲۱</sup>

همچنان که در خیر آمده است که حضرت ابوطالب عموی پیامبر(ص) در روز هفتم تولد برای حضرتش عقیقه کرد و خاندان ابوطالب را دعوت نمود، آنها گفتند: این چیست؟ فرمود: عقیقه احمد است.<sup>۲۲</sup>

و در برخی خبرها آمده است که آن حضرت هنگامی که به رسالت مبعوث شد برای خودش عقیقه کرد.<sup>۲۳</sup>

محمد بن مسلم نقل کرده که برای امام باقر(ع) دو فرزند پسر هم زمان متولد شدند. آن حضرت برادرش زید بن علی(ع) را مأمور کرد که دو رأس حیوان جهت عقیقه برای آن حضرت خریداری کند؛ و آن هنگام زمان کمبود و گرانی بود، از این رو جناب زید یک رأس خریداری کرد و خرید آن دیگری برای او مشکل شد، به محضر امام باقر(ع) عرض کرد که خرید حیوان دوم برای من سخت شد؛ می توانم قیمت آن را صدقه بدهم؟!<sup>۲۴</sup>

حضرت فرمود: نه، در جستجوی خرید باش، زیرا خداوند عزوجل ریخته شدن خون (سر بریدن حیوانات) و بخشش طعام را دوست می دارد.<sup>۲۴</sup>

در کتاب کافی از عبدالله بن بکیر نقل شده که در محضر امام صادق (ع) بودم که فرستاده عمویش، عبدالله بن علی آمد و اظهار داشت: عمویت می‌گوید: ما در جستجوی عقیقه برآمدیم و لیکن پیدا نکردیم. نظر شما چیست؟ می‌توانیم قیمت آن را صدقه بدهیم؟ فرمود: نه، خداوند متعال احسان و بخشش طعام و ریخته شدن خون (سر بریدن حیوانات) را دوست دارد. ۲۵

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» از محمد بن ابراهیم کوفی نقل کرده است که حضرت ابو محمد (امام حسن عسکری (ع)) گوسفند ذبح شده‌ای را برای کسی - که نام او را برایم بیان کرد - فرستاد و فرمود که این از عقیقه فرزند م ح م د می‌باشد. ۲۶

و در کتاب «غیبت» شیخ طوسی از ابراهیم بن ادریس نقل شده که: مولایم ابو محمد (امام حسن عسکری (ع)) قوچی پیش من فرستاد و سفارش کرد که [از جانب فرزندم فلانی عقیقه کن] و خود و خانواده‌ات از آن بخورید. من هم طبق دستور عمل کردم. سپس آن حضرت را دیدار کردم. فرمود فرزندی که برایم متولد شده بود از دنیا رفت. بعد از این جریان، حضرت دو رأس قوچ برایم فرستاد و نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم این دو قوچ را از جانب سرور و مولای خود [حجة بن الحسن (عج)] عقیقه کن، خود از آن تناول کن، گوارایت باد و به برادرانت نیز از آن اطعام کن. من هم انجام دادم و در دیدار بعدی حضرت چیزی نفرمودند. ۲۷

### استحباب عقیقه

مرحوم مجلسی در مرآت العقول می‌فرماید: سید مرتضی و ابن جنید معتقد بر وجوب عقیقه هستند و ظاهر کلام شیخ کلینی نیز وجوب است اما شیخ طوسی و فقهای بعد از او به استحباب عقیقه دارند. ۲۸ از این رو می‌شود گفت: عقیقه کردن برای فرزند چه پسر و چه دختر از مستحبات مؤکده می‌باشد.

اصل عقیقه این است که حیوانی چه شتر و چه گاو و چه گوسفند ذبح شده و گوشت آن یا به صورت خام یا پخته توزیع گردد یا این که آن را بپزند و مؤمنان را برای خوردن آن دعوت کنند.

صدقه دادن پول عقیقه کفایت نمی‌کند و اگر حیوانی برای عقیقه پیدا نشود باید صبر کنند تا پیدا شود.

## آداب عقیقه

۱. بهتر است عقیقه روز هفتم تولد انجام گیرد و در صورت امکان از روز هفتم تأخیر نیندازند.
۲. بهتر است عقیقه برای نوزاد پسر، نر باشد و برای نوزاد دختر ماده.
۳. بهتر است عقیقه را بپزند و نپخته تصدق نکنند.
۴. بهتر است گروهی از مؤمنان را برای خوردن دعوت کنند و حداقل ده نفر باشند که از آن غذا بخورند و برای نوزاد دعا کنند.
۵. بهتر است استخوانها را نشکنند بلکه از مفاصل جدا کنند.
۶. بهتر است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند و خوردن مادر کراهت بیشتر است.
۷. بهتر است عیال پدر و مادر هم که در آن خانه باشند از آن گوشت نخورند.
۸. شاید بهتر باشد که گوشت عقیقه را با آب و نمک بپزند، ولی استحبابش معلوم نیست.
۹. بهتر است عقیقه شرائط قربانی را داشته باشد یعنی شاخ شکسته، گوش بریده، اخته، لنگ و بسیار لاغر نباشد.
۱۰. بهتر است یک سوم یا یک چهارم عقیقه را که یک ران جزء آن باشد به قابله بدهند و اگر قابله نداشته باشد به مادرش بدهند که به هر کسی که بخواهد بدهد.

## یادآوری

الف: مواردی که به عنوان آداب گفته شد جهت کمال عقیقه می باشد و گرنه ذبح یکی از حیوانات مذکور به عنوان عقیقه و توزیع گوشت آن یا پختن آن و دعوت مؤمنین برای خوردن یا توزیع آن پس از پختن کفایت می کند.

ب: اگر انجام عقیقه در روز هفتم تولد میسر نشد، هر وقت که توانستند انجام دهند، تا هنگام بلوغ فرزند، و اگر تا آن هنگام انجام نشد خود شخص می تواند تا زنده است برای خود عقیقه کند. و اگر شک هم دارد که برای او در کودکی عقیقه کرده اند یا نه مستحب است خودش عقیقه کند بلکه مستحب است حتی بعد از مرگ برای او عقیقه کنند.

## توضیح:

بحث عقیقه را علاوه بر کتب حدیث یعنی کافی ج ۶ ص ۲۴ تا ۳۴؛ وسائل الشیعه، چاپ اسلامی، ج ۱۵، ص ۱۴۰ تا ۱۵۹ و بحار الانوار، چاپ ایران، ج ۱۰۴، ص ۱۰۷ تا ۱۲۶ در منابع ذیل ملاحظه فرمایید.

حلیة المتقین، مرحوم علامه مجلسی، باب چهارم، فصل نهم: باقیات الصالحات، حاج شیخ عباس قمی (حاشیه مفاتیح الجنان).

جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۶۴ تا ۲۷۱؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۱.

## پس نوشتها:

۱. مجمع البحرين و المنجد .
۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۲، ح ۶۲.
۳. الكافي، ج ۶، ص ۲۴، ح ۲.
۴. حلية المتقين، باب چهارم، فصل نهم.
۵. مجمع البحرين .
۶. بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۰، ح ۵۵.
۷. همان، ص ۱۲۱، ح ۵۸.
۸. همان، ص ۱۱۰، ح ۱۳.
۹. همان، ص ۱۰۸، ح ۶ و ۷.
۱۰. همان، ص ۱۲۱، ح ۵۷.
۱۱. وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۱۵۲، ح ۱۷.
۱۲. بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۲، ح ۶۳.
۱۳. وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۱۵۶ و ۱۵۷، ح ۲ و ۳.
۱۴. همان، ص ۱۵۶، ح ۱.
۱۵. همان، ص ۱۵۱، ح ۷.
۱۶. همان، ص ۱۴۵، ح ۱.
۱۷. همان، ص ۱۷۲، ح ۱ و ۲ و ۳.
۱۸. الكافي، ج ۶، ص ۳۱، ح ۶.
۱۹. بحار، ج ۴۳، ص ۲۵۷، ح ۳۸ و ج ۱۰۴، ص ۱۲۰، ح ۵۰.
۲۰. همان، ج ۴۳، ص ۲۵۷، ح ۲۷ و ج ۱۰۴، ص ۱۱۲، ح ۲۲.
۲۱. همان، ج ۱۰۴، ص ۱۱۱، ح ۱۸.
۲۲. الكافي، ج ۶، ص ۳۴، ح ۱.
۲۳. وسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۵، ح ۳.
۲۴. الكافي، ج ۶، ص ۲۵، ح ۸.
۲۵. همان، ح ۶.
۲۶. وسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۲، ح ۳.
۲۷. كتاب الغيبة، شيخ طوسي، با مقدمه شيخ آغا بزرگ طهراني، ص ۱۴۸.
۲۸. مرآت العقول، ج ۲۱: ص ۴۴.